

تأثیر سیاست تقنینی بر نرخ رشد جمعیت در ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۲۰

علی مشهدی

عضو هیئت علمی دانشگاه قم - mashadiali@yahoo.com

مسعود فریادی

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران - mfaryadi_culture@yahoo.com

چکیده

در دهه‌های گذشته، قوانین و مقررات بسیاری در ارتباط با تنظیم جمعیت در ایران تصویب شده که می‌تواند بیانگر رویکرد سیاست تقنینی کشور به موضوع جمعیت باشد. در این نوشتار، سیاست تقنینی جمعیتی در ایران از دو جنبه بررسی شده است. نخست اینکه سیاست تقنینی ایران هیچ‌گاه یک جهت‌گیری مشخص در زمینه افزایش، کاهش یا تعدیل جمعیت نداشته و دوم اینکه قوانین و مقررات ناظر بر تنظیم جمعیت، صرفاً یکی از عوامل اجتماعی مؤثر بر تنظیم نرخ رشد جمعیت به شمار می‌آید و عوامل فراوان دیگری مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، نگرش‌های فرهنگی و همچنین وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی نیز در کاهش یا افزایش این نرخ مؤثرند. این مقاله بر این مبنا استوار است که هرچند سیاست تقنینی، نیازمند ثبات در این زمینه است؛ ولی الزاماً نمی‌توان پذیرفت نظام حقوقی، عامل اصلی در نرخ رشد جمعیت قلمداد می‌شود؛ چراکه گذشته از تأثیر عوامل گوناگون دیگر، اثبات تأثیر عامل حقوقی بر افزایش یا کاهش جمعیت، مستلزم ارزیابی آثار قوانین و مقرراتی است که در حوزه‌های مرتبط با جمعیت تصویب شده‌اند و این ارزیابی تاکنون صورت نگرفته است. همچنین مهم‌ترین عامل مؤثر در تحقق اهداف یک قانون، داشتن ضمانت اجرایی قوی است؛ در حالی که سیاست‌های تنظیم جمعیت در تشویق

خانواده‌ها به افزایش یا کاهش فرزندآوری، از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نیستند. راهکار پیشنهادی این مقاله، ضرورت حرکت تدریجی نظام حقوقی به سمت تحقق عدالت جمعیتی به جای کنترل آماری در شاخص‌های جمعیتی است.

واژگان کلیدی:

سیاست تقنینی، قانون تنظیم خانواده، حقوق عمومی جمعیت، عدالت جمعیتی، نرخ رشد جمعیت.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسائل جمعیتی، پیچیدگی و ارتباط تنگاتنگ آن با حوزه‌های گوناگون اجتماعی است. شاخص‌های گوناگون جمعیتی مانند ترکیب، پراکنش و نرخ رشد بر حوزه‌های مختلف اجتماعی اثر می‌گذارند و از آنها تأثیر می‌پذیرند. نمونه روشن این ارتباط دوسویه را می‌توان در تأثیر رشد جمعیت بر وضعیت محیط زیست و آثار برآمده از تخریب آن بر زندگی انسانی مشاهده کرد (Brooks et al 2002, 239 / Hunter 2000, 2-3). بنابراین آنچه سیاست‌گذاران جمعیتی همواره باید مدنظر داشته باشند، این است که به دلیل درهم‌تنیدگی مسائل جمعیتی، عوامل گوناگون اجتماعی بر شاخص‌های جمعیتی اثر می‌گذارند؛ چراکه سیاست‌های جمعیتی نیز حوزه فرابخشی است که هم‌زمان، با حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباط می‌یابد (May 2012, 41). اهمیت این تأثیر و تأثر متقابل به اندازه‌ای بوده که در دهه‌های اخیر، مدیریت جمعیت به یکی از حوزه‌های سیاست تقنینی تبدیل شده و دولت‌ها برای تنظیم و تعدیل شاخص‌های جمعیتی با حوزه‌های اجتماعی دیگر به استفاده از ابزارهای حقوقی روی آورند. امروزه عملاً بسیاری از دولت‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم وارد حوزه برنامه‌ریزی جمعیتی شده‌اند (Department of Economic and Social Affairs 2005, 27) و انتظار اولیه از این مداخله دولت باید تحقق عدالت جمعیتی باشد. منظور از عدالت جمعیتی این است که میان جمعیت ساکن در یک سرزمین و امکانات طبیعی و انسانی، تناسب و توازن وجود داشته باشد که نظام حقوقی باید این تناسب و توازن را تأمین و تضمین کند.

موضوع سیاست‌های تقنینی جمعیتی - به دلیل ارتباط آن با حوزه‌های اجتماعی فراوان - همواره محل طرح دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد بوده است (Ward 1994, 7 / Ladier-

(Fouladi 2005, 154-157). نمونه آشکار این رویکردهای گوناگون را می‌توان در بحث شاخص‌های جمعیتی و عوامل مؤثر بر آن در ایران دید. شاخص‌های جمعیتی در ایران در چند دهه اخیر دستخوش تغییرات چشمگیر و گاه پیش‌بینی‌ناپذیری بوده است. به‌طور کلی شاخص‌های جمعیتی مختلف در جوامع، همواره در حال تغییر هستند؛ اما از میان این شاخص‌ها، شاخص نرخ رشد جمعیت تحولات بیشتری داشته و به یکی از مسائل سیاسی، اجتماعی و حقوقی در ایران تبدیل شده است. شماری از مسئولان و کارشناسان کشوری با این اعتقاد که کشور گنجایش جمعیت زیاد را دارد، بر لزوم افزایش جمعیت و رفع موانع رشد آن اصرار دارند و شماری دیگر نیز - با اشاره به پیامدهای افزایش جمعیت بدون توجه به توان محدود کشور - بر لزوم کنترل و تعدیل نرخ رشد جمعیت تأکید می‌کنند (ساعی ۱۳۸۹، ۶۹).

با توجه به همین دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت در زمینه کنترل جمعیت در ایران، سیاست‌ها، قوانین و مقررات نیز در سالیان پس از انقلاب رویکرد همواره متغیر و متفاوتی در برابر این موضوع در پیش گرفته‌اند (-7, Edwards 1992, 135 / Moeeni et al 2014, 116). از اواخر دههٔ چهل به بعد و آغاز سیاست کنترل جمعیت، کنترل زادوولد و تنظیم خانواده در دستور کار قرار گرفت؛ اما پس از انقلاب اسلامی که این سیاست به کلی کنار گذاشته شد (Esmaeili 2013, 51-57 / Hoodfar, H., & Assadpour 2000, 19-34)، با وجود عزم سیاسی بر لزوم تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت، هیچ قانون یا مقررۀ خاصی برای تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت تصویب نشد و قانون در افزایش ناگهانی جمعیت در دههٔ ۶۰ نقشی نداشت.

یکی از پرسش‌های مطرح در زمینهٔ عوامل مؤثر بر نرخ رشد جمعیت، این است که آیا قوانین و مقررات، عامل تعیین‌کننده در تغییر نرخ رشد جمعیت هستند یا نه. در آغاز امر، ممکن است تصور بر این باشد که سیاست تقنینی و تدابیر حقوقی در زمینهٔ افزایش یا کاهش جمعیت، تأثیر بسزایی در نرخ جمعیت داشته است؛ برای نمونه هنگامی که قانونی، برخی سازوکارهای تشویقی مانند دادن یا ندادن کمک‌هزینه برای فرزندان چهارم و بعد را ایجاد می‌کند، تأثیر چشمگیری در تشویق خانوارها به افزایش یا کاهش شمار فرزندان دارد؛ از این رو چنین تصور می‌شود که مهم‌ترین عامل مؤثر در کاهش یا افزایش رشد جمعیت در ایران، همین قوانین و مقررات ناظر بر تنظیم جمعیت بوده‌اند. با این حال با توجه به پیچیدگی مسئلهٔ جمعیت و تأثیر

عوامل فراوان بر شاخص‌های جمعیتی، موضوع تأثیر قوانین و مقررات بر روند تحول نرخ رشد جمعیت به بررسی و ارزیابی دقیقی نیاز دارد و الزاماً نمی‌توان پذیرفت نظام حقوقی، عامل اصلی در افزایش یا کاهش جمعیت بوده است. نکته مهمی که در اینجا بر آن تأکید می‌شود، این است که سیاست‌های تقنینی - فارغ از مسئله افزایش یا کاهش جمعیت - باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که شاخص‌های جمعیتی به‌ویژه نرخ رشد جمعیت را با ثبات و قابلیت پیش‌بینی لازم تنظیم کنند و از تغییرات ناگهانی و پیش‌بینی نشده در شاخص‌های جمعیتی به‌ویژه نرخ رشد جلوگیری کنند؛ چراکه افزایش یا کاهش ناگهانی و مدیریت نشده شاخص‌های جمعیتی در چند دهه گذشته باعث افزایش انفجاری جمعیت در دهه ۶۰ و کاهش چشمگیر آن در دهه‌های بعدی و همچنین نبود تناسب میان جمعیت شهری و روستایی ایران ۱ شده است. این رخداد سبب می‌شود برنامه‌ریزی‌های مدیریتی برای مدیریت جمعیت در عمل موفق نشوند. بنابراین یک راهبرد حقوقی جامع لازم است تا ضمن خودداری از کنترل آماری جمعیت، به تنظیم همه‌جانبه شاخص‌های جمعیتی با توجه به امکانات طبیعی و انسانی در دسترس پردازد و پیش‌بینی تحولات جمعیتی را ساده‌تر و علمی‌تر کند. در این مقاله، نخست به بررسی رویکرد عمومی سیاست تقنینی به جمعیت پرداخته و پس از ذکر رویکردهای کلی کشورها در این زمینه، نتیجه گرفته می‌شود که تلاش بیشتر کشورها صرف تنظیم شاخص‌های جمعیتی، بدون مداخله و کنترل آماری فرزندآوری در خانواده‌ها می‌شود. در گفتار دوم به تحلیل قوانین و مقررات ایران در زمینه تنظیم جمعیت پرداخته و نتیجه گرفته می‌شود سیاست تقنینی ایران در زمینه جمعیت تا پیش از تصویب سیاست‌های کلی جمعیت، پراکنده و بدون انسجام و جامع‌نگری بوده است و پس از تصویب این سیاست‌ها لازم است مقررات اجرایی لازم برای تحقق این سیاست‌ها تصویب و اجرا شود.

۱. رویکرد عمومی سیاست تقنینی به تنظیم جمعیت

بررسی مسائل جمعیتی مانند نرخ رشد، پراکندگی و ترکیب جمعیت از جمله حوزه‌های تخصصی و فنی علمی و عملی مانند بهداشت عمومی، جمعیت‌شناسی و جغرافیای انسانی و اقتصادی است. از این لحاظ، نظام حقوقی اساساً صلاحیت تعیین محتوای مسائل جمعیتی از

۱. ضریب شهرنشینی در ایران در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۳/۳ درصد، در سال ۱۳۸۴ حدود ۶۷/۶ درصد و در سال ۱۳۸۷ حدود ۶۹ درصد بوده است (حصاری ۱۳۸۹، ص ۲۰).

طریق هنجارسازی مانند تعیین نرخ رشد و پراکندگی جمعیت را ندارد.

امروزه شاهد گسترش شمار قوانین و مقررات در زمینه‌های مرتبط با تنظیم جمعیت هستیم؛ چراکه دولت با ابزارهای حقوقی، سیاست‌های جمعیتی خود را تهیه و اجرا می‌کند. در دهه‌های اخیر، دولت‌ها بنا به دلایل گوناگونی به مقررات‌گذاری در حوزه‌هایی همچون تنظیم روابط خانوادگی، تولد و تربیت فرزندان پرداخته‌اند که پیش از آن، امور خصوصی به شمار می‌رفت و در اختیار خانواده‌ها بود. به‌طور کلی دولت‌ها در زمینه رشد جمعیت سه رویکرد «دستور و کنترل»، «کنترل نکردن» و «تنظیم و تعدیل» جمعیت را در پیش می‌گیرند.

۱-۱. رویکرد دستور و کنترل

رویکرد غالب دولت‌ها در مدیریت امور عمومی، استفاده از ابزار دستور و کنترل، یعنی مقررات‌گذاری بوده است. دولت در این رویکرد می‌تواند با قدرت دستوری خود به کنترل و مقررات‌گذاری در هر زمینه‌ای، هرچند روابط خانوادگی از ازدواج و زناشویی گرفته تا فرزندآوری و شیوه تربیت کودکان در خانواده‌ها بپردازد؛ برای نمونه در این زمینه می‌توان به قانون تنظیم جمعیت و خانواده چین (China Population and Family Planning, 29 Dec. 2001) اشاره کرد که اختیارات بسیار زیادی در امر تنظیم خانواده به دولت می‌دهد (Scharping 2005, 43-74). در این زمینه حتی در برخی موارد از نظام حقوق کیفری و از طریق جرم‌انگاری برخی رفتارها مانند افزایش شمار فرزندان اقدام می‌شود (Marvell 1995, 696). افزایش جمعیت کشورهای جهان در سده اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی کشورها تبدیل شده و در پی این افزایش جمعیت، نیازهای مردم نیز رو به فزونی نهاده است که برآورده کردن همه این نیازها، تلاش افزون‌تر دولت‌ها را برای مدیریت کارآمد منابع انسانی و بهبود کیفیت جمعیت ایجاب می‌کند؛ از این رو دولت‌ها به ناچار باید با استفاده از مقررات به عنوان ابزاری الزام‌آور، به کنترل شاخص‌های جمعیتی و تنظیم نرخ رشد جمعیت با امکانات و زیرساخت‌های کشور بپردازند. با این حال دخالت دولت‌ها در زمینه مدیریت جمعیت بر اساس نظام‌های سیاسی - حقوقی گوناگون، متفاوت است؛ برای نمونه می‌توان الگوی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور چین و هند را با کشورهای اروپایی همچون سوئیس و سوئد مقایسه کرد.

۱-۲. رویکرد کنترل نکردن

بر اساس این رویکرد، روابط خانوادگی و زناشویی جزو حوزه خصوصی افراد قلمداد می‌-

شود که دولت به دخالت در این حوزه مجاز نیست؛ چراکه مداخله دولت در تصمیم والدین مبنی بر شمار فرزندان از طریق مقررات گذاری می تواند به استقلال خانواده و اعتماد اجتماعی آسیب بزند و به این دلیل حتی اگر مداخله در این موضوع لازم است، بهتر است دولت از طریق نهادهای واسطه، یعنی نهادهای مدنی، در مدیریت مشارکتی نرخ رشد جمعیت بکوشد. در این نگاه، دولت تنها وظیفه ارائه خدمات مورد نیاز برای خانواده ها را بر عهده دارد و تنظیم روابط خانوادگی را خود خانواده ها انجام می دهند. این رویکرد را می توان در دولت هایی مانند آلمان و اتریش مشاهده کرد که به آزادی عملکرد و انتخاب خانواده در جامعه باور دارند.

۱-۳. رویکرد تنظیم و تعدیل

در این رویکرد، یک وضعیت متعادل و بینابین میان دو رویکرد فوق در پیش گرفته می شود. درهم تنیدگی و وابستگی متقابل مسئله رشد جمعیت با مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی در بیشتر کشورهای جهان، سبب شده حتی دولت هایی که رویکرد بی طرفانه و دخالت نکردن در تنظیم خانواده را در پیش گرفته بودند، به سوی برنامه ریزی و مقررات گذاری در حوزه تنظیم جمعیت گرایش یابند و رویکردی سازنده در این زمینه داشته باشند.

ضرورت تنظیم برنامه های اقتصادی و اجتماعی دولت با میزان رشد جمعیت برای افزایش رفاه جامعه و همساز کردن آنها با ملاحظات محیط زیستی نیز چنین رویکردی در مقررات گذاری را توجیه می کند (Salehi-Isfahani 2002, 141)؛ اما این برنامه ریزی و مقررات گذاری به گونه ای انجام می شود که جنبه دخالت در اراده خصوصی خانواده ها و ورود در حریم خصوصی اشخاص را نداشته باشد و خود اشخاص به صورت داوطلبانه به تنظیم جمعیت خانواده خود پردازند. این مسئله در دولت های رفاهی اهمیت بسزایی دارد (Ladier-Fouladi 2002, 391-400). نظام حقوقی صرفاً بر پایه یافته های علمی جمعیت شناسی و جامعه شناسی به وضع چارچوب های لازم برای مدیریت بهینه جمعیت اقدام می کند؛ بنابراین قوانین و مقررات بدون آنکه در مورد ضرورت داشتن یا ضرورت نداشتن کاهش یا افزایش نرخ رشد جمعیت تصمیم بگیرند، باید در صدد تضمین ارزش های حقوقی و پاسداری از حقوق اساسی مردم در برنامه های تنظیم جمعیت باشند؛ مانند تضمین توزیع عادلانه امکانات، منع تبعیض و حمایت از حریم خصوصی.

در این دیدگاه، وظیفه نظام حقوقی در حوزه جمعیت، تحقق عدالت جمعیتی از راه تعدیل و تنظیم امکانات گوناگون کشور با نرخ رشد جمعیت است که بر اساس آن دولت در آغاز و در درجه نخست باید امکانات اولیه و ضروری لازم برای رشد جمعیت و حفظ و بالندگی کیان خانواده را تأمین کند. سپس با مشارکت خانواده‌ها و جامعه مدنی برای تنظیم نرخ رشد جمعیت کشور به صورت منعطف و هدفمند برنامه‌ریزی کند. در واقع هدف نظام حقوقی، تأمین عدالت جمعیتی فارغ از این است که میزان نرخ رشد جمعیت چگونه باید باشد. به بیان بهتر، تعیین نرخ رشد جمعیت، یک موضوع علمی حقوقی نیست؛ بلکه تنها تأکید حقوقی این است که نرخ رشد جمعیت باید همساز با امکانات و شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی کشور و مطابق با حقوق اساسی مردم باشد.

عموماً نگرش کلی در زمینه سیاست‌های تنظیم جمعیت در جامعه، بیشتر به کاهش یا افزایش جمعیت معطوف است و از همین رو بیشتر مخالفان کاهش جمعیت، برنامه‌های کنترل جمعیت را نیز رد می‌کنند. باید توجه داشت که مقررات ناظر بر تنظیم جمعیت، الزاماً در پی کاهش یا افزایش رشد جمعیت نیستند؛ بلکه هدف این دسته مقررات باید اصولاً تنظیم رشد جمعیت با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی کشور باشد (Lamm 1972, 1)؛ چراکه کنترل دستوری فرزندآوری در خانواده‌ها نمی‌تواند نتایج موفقی در پی داشته باشد؛ همان‌گونه که در چین اتفاق افتاد. گذشته از این، مقررات-گذاری دولتی به دلیل مداخله در امور اقتصادی و اجتماعی، همواره مورد انتقاد بوده و مقررات‌گذاری در امور خانوادگی به طریق اولی مداخله قلمداد می‌شود. از این لحاظ، کارویژه اصلی قوانین و مقررات، «تعدیل و تنظیم» شاخص‌های جمعیتی است؛ نه کنترل آن. بدین معنا که نظام حقوقی در درجه نخست باید با توجه به مسائل فراوانی از جمله تغییرات ترکیب و توزیع جمعیت و وضعیت زیربنای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و محیط زیستی در کشور، به تنظیم و ایجاد تناسب و تعادل میان نرخ رشد جمعیت و امکانات و زیرساخت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست پردازد تا از این رهگذر به عدالت جمعیتی دست یابد.

بر اساس رویکرد تنظیمی، برای تحقق عدالت اجتماعی و استفاده بهینه از منابع کشور، نرخ رشد جمعیت باید پیش‌بینی‌پذیر و قابل محاسبه شود و به صورت انفجاری و ناگهانی تغییر نیابد. همین امر به دولت کمک می‌کند تا منابع و امکانات خود را به بهترین نحو

ممکن برای مدیریت نیازهای جمعیتی آماده کند. نظام حقوقی در تنظیم جمعیت صرفاً هنگامی می‌تواند موفق و کارآمد باشد که به بهترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه ممکن، هدف یادشده را برآورده کند. این امر، مستلزم درپیش گرفتن سیاست‌های تقنینی روشن و شفاف در مدیریت جمعیت است. در غیر این صورت تحقق و اجرای ارزش‌های حقوقی در فرایند افزایش یا کاهش نرخ رشد جمعیت دشوار خواهد بود.

با توجه به این هدف، نظام حقوقی در زمینه تنظیم جمعیت باید دو راهکار را در پیش گیرد. نخست پیش‌بینی امکانات و خدمات زیربنایی و رفاهی برای جمعیت آینده و تنظیم فرایند خدمات‌رسانی با روند رشد جمعیت طی یک سند حقوقی جامع و راهبردی؛ دوم تنظیم نظام بهداشتی جمعیت با وضع مقررات لازم برای افزایش آگاهی‌های بهداشتی مردم، ارتقای بهداشت باروری، حفظ سلامت جسمی و روانی همسران و کودکان و دیگر تدابیر لازم برای سلامت خانواده.

بدیهی است نرخ رشد جمعیت به عنوان یک شاخص جمعیتی، با شاخص‌های جمعیتی دیگر ارتباط تنگاتنگ و وابستگی متقابل دارد و برای حفظ این ارتباط و مدیریت بهتر جمعیت، همه این شاخص‌ها باید در کنار هم به صورت یکپارچه تنظیم شوند. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پراکنندگی جمعیت و نسبت آن با شرایط محیط زیستی مناطق و توزیع منابع، میزان دسترسی ساکنان هر منطقه به منابع و امکانات، ترکیب و توزیع جنسیتی جمعیت، سطح امکانات و مراقبت‌های بهداشتی، امکانات و فرصت‌های شغلی هر منطقه و روند رشد جمعیت در میان اقشار گوناگون مردم در هر منطقه از کشور. با توجه به گستردگی و فرابخشی بودن موضوع تنظیم رشد جمعیت، نظام حقوقی نیز باید با یک رویکرد جامع و یکپارچه، همه مسائل مرتبط با شاخص‌های جمعیتی را در یک چارچوب حقوقی کلی مدنظر قرار دهد و سازوکارهای لازم برای مدیریت بهتر این شاخص‌ها را ارائه کند.

۲. تحلیل قوانین و مقررات ناظر بر تنظیم جمعیت در ایران

سیاست‌های تنظیم خانواده و میزان باروری در ایران همواره تأثیر متقابلی بر همدیگر دارند (see: Aghajanian 1998/ Hashemi, 2009)؛ اما به‌طور کلی نظام حقوقی ایران تا پیش از تصویب سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳/۲/۳۰)، یک راهبرد کلی و قانونی جامع برای ترسیم اصول کلی مدیریت مسائل جمعیتی نداشته است. به همین دلیل، سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی در ایران با توجه به تغییر اوضاع اجتماعی و سیاسی و دیدگاه‌های متفاوت در

زمینه کاهش یا افزایش نرخ رشد جمعیت، رویکرد دوگانه‌ای در پیش گرفته است. نخستین برنامه‌های تنظیم جمعیت بر کنترل و کاهش رشد جمعیت تأکید داشته‌اند؛ با این حال اجرای این برنامه‌ها با وقوع انقلاب اسلامی و مخالفت با برنامه‌های تنظیم جمعیت متوقف شد؛ ولی هیچ مصوبه‌ای به‌طور مشخص با هدف تشویق خانواده‌ها به افزایش جمعیت تصویب نشد (Aghajanian 1991, 703-717). با افزایش انفجاری نرخ رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۰ دوباره سیاست تشویق به کاهش نرخ رشد جمعیت در پیش گرفته شد (Abbasi-Shavazi, M. & McDonald 2006, 217/ Erfani 2008, 459-478). این سیاست و هدف کلی به تصویب قوانین و مقررات گوناگونی برای کنترل افزایش جمعیت انجامید (Hoodfar, H., & Assadpour 2000, 20).

در تصویب این قوانین و مقررات تلاش شد به رویکرد سوم در مقررات‌گذاری جمعیتی، یعنی تنظیم و تعدیل توجه شود؛ با این حال این قوانین و مقررات بر اساس یک سیاست تقنینی تفصیلی جامع و مشخص در خصوص مدیریت جمعیت تصویب نشده‌اند و بیشتر ناظر بر تشویق به کنترل نرخ رشد جمعیت و فرهنگ‌سازی بوده‌اند. این قوانین و مقررات عموماً محور دوم سیاست تنظیم جمعیتی، یعنی ارائه برنامه‌های بهداشتی و تنظیم خانواده را مدنظر قرار داده‌اند و از پرداختن به محور اول، یعنی تنظیم و تعدیل روند رشد جمعیت با امکانات زیربنایی و رفاهی بالفعل و بالقوه بازمانده‌اند. همچنین عبارت تنظیم یا تعدیل جمعیت هیچ‌گاه به عنوان یک اصطلاح حقوقی در قوانین و مقررات ایران تعریف نشده و هنگامی که گفته می‌شود دولت در صدد تنظیم یا تعدیل جمعیت است، منظور از این عبارت، به‌درستی روشن نیست. ویژگی بعدی این قوانین و مقررات، این است که اغلب ضمانت اجرای خاص یا مؤثری ندارند و بیشتر به رهنمود شباهت دارند تا هنجارهای حقوقی الزام‌آور. از این لحاظ می‌توان گفت قوانین و مقررات ایران در خصوص موضوع مدیریت جمعیت با ارائه برخی سازوکارهای محدود، سیاست کنترل آماری جمعیت یا ارائه برخی انگیزه‌های مالی و اجتماعی را در پیش گرفته‌اند؛ حال آنکه کنترل آماری پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه شاخص‌های جمعیتی توسط قوانین و مقررات، در عمل امر بسیار دشواری است.

از سوی دیگر سیاست‌های جمعیتی به دلیل فراگیری و فرابخشی بودن، بر بسیاری از حوزه‌های اجتماعی از جمله حقوق زنان و کودکان و خانواده و همچنین محیط زیست تأثیر دارد (see: Dixon-Mueller, 1993). بنابراین قانون‌گذار باید در تهیه سیاست تقنینی جمعیتی

به همه حوزه‌های مرتبط با شاخص‌های جمعیتی توجه داشته باشد و از آثار متقابل این حوزه‌ها بر یکدیگر آگاه باشد تا بتواند در تحقق هدف اصلی خود در این زمینه، یعنی عدالت جمعیتی موفق باشد.

حال این پرسش پیش می‌آید که آیا نظام حقوقی در تغییر شاخص‌های جمعیتی تا چه اندازه تأثیر داشته است. بررسی دقیق این موضوع، مستلزم ارزیابی آثار مقررات وضع شده در این زمینه است؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت یکی از محورهای تقنینی عمده ایران در زمینه جمعیت، تشویق تشکیل خانواده و پاسداری از حقوق زنان و کودکان با توجه به اهمیت موضوع خانواده در جامعه ایرانی بوده که اثر نهایی (مستقیم یا غیرمستقیم) این سیاست حقوقی، اصولاً باید آسان‌سازی شرایط لازم برای افزایش جمعیت در خانوارها می‌بود. در این بخش به مهم‌ترین قوانین و مقررات ناظر بر تنظیم نرخ رشد جمعیت و تسهیل‌کننده افزایش جمعیت اشاره خواهد شد.

باید توجه داشت که برای اینکه نظام حقوقی بتواند در مدیریت شاخص‌های جمعیتی، ثبات و قابلیت پیش‌بینی ایجاد کند، باید قوانین و مقررات هماهنگ و یکپارچه‌ای تصویب شوند. در نظام حقوقی ایران قوانین و مقررات فراوانی تصویب شده‌اند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با نرخ رشد جمعیت ارتباط دارند؛ اما به دلیل ناهماهنگی میان این قوانین و مقررات و اینکه هر کدام با توجه به اوضاع و شرایط مختلف کشور، اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند، این نظام حقوقی نمی‌تواند یک هدف مشخص را دنبال کند و از قدرت تأثیرگذاری لازم بر تنظیم نرخ رشد جمعیت برخوردار باشد.

۳. قوانین مرتبط با تنظیم نرخ رشد جمعیت

۳-۱. برنامه چهارم عمرانی کشور، مصوب ۱۳۴۷

این برنامه نخستین سند کلان مصوب در کشور بود که یکی از اهداف اساسی در بخش بهداشت و بهداری را اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده پیش‌بینی کرد (فصل هجدهم). در این راستا بند ۳، ماده ۲، قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون خدمات اجتماعی زنان (۱۳۵۱/۳/۳۰)، خدمات مربوط به تنظیم خانواده را نیز در کنار دیگر خدمات بهداشتی قابل ارائه برای زنان افزود.

۳-۲. برنامه پنجم عمرانی کشور، مصوب ۱۳۵۲

برنامه پنجم عمرانی کشور در زمینه کنترل جمعیت صراحت بیشتری داشت. به موجب بند

۲-۱ از قسمت دوم این سند (سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی اقتصادی و اجتماعی در زمینه جمعیت)، کاهش نرخ رشد سالانه جمعیت به نصف میزان دهه ۵۰ تا سال ۱۳۷۰ یک چشم‌انداز اعلام شد. این امر در طول برنامه پنجم نیز به عنوان یک هدف میان‌مدت، ضرورت کاستن از نرخ افزایش جمعیت از ۳/۱ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۲/۶ درصد در پایان برنامه را پیش‌بینی کرد.

از نکات مهم این برنامه، توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی در راستای کاستن نرخ رشد جمعیت بود. به منظور کاهش رشد جمعیت در بند ۲-۱ این سند، سیاست‌هایی - مانند بهبود وضع درآمد و رفاه طبقات کم‌درآمد، گسترش وسایل ارتباط جمعی و ترویج آموزش به‌ویژه در جوامع روستایی و در میان گروه‌های کم‌درآمد شهری، توسعه شبکه بهداشت و تنظیم خانواده اعلام شد. فصل سوم این برنامه با عنوان «نیروی انسانی و اشتغال» بر اجرای برنامه تنظیم خانواده به منظور کاستن میزان رشد جمعیت از ۳/۱ درصد به ۲/۶ درصد به عنوان یک هدف میان‌مدت تأکید داشت.^۱

در اصلاحیه این برنامه، اجرای برنامه تنظیم خانواده و کاهش زادوولد و موالید ناخواسته به عنوان یک برنامه ملی و همه‌جانبه با توجه ویژه به نقاط روستایی اعلام شد و بر اصلاح قوانین و مقررات مغایر با سیاست تنظیم خانواده تأکید شد. ۲ در همین راستا و برای نمونه بند ۲۷ ماده ۲۷ قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی، یکی از وظایف انجمن ده را همکاری و اشتراک مساعی با مأموران مربوط در امر بهداشت و تنظیم خانواده و مراقبت در تفهیم و اجرای دستورالعمل‌های آن مقرر کرد.

۳-۳. قانون برنامه اول توسعه، مصوب ۱۳۶۸

پس از انقلاب اسلامی و با افزایش ناگهانی جمعیت در کشور، قوانین برنامه توسعه همواره موضوع شاخص‌های جمعیتی را مدنظر قرار داده‌اند (Salehi-Isfaha, 2000, 599-620/ Idem 2002, 141). همچنین عواملی مانند جنگ، تحول سیاسی و ایجاد امید به آینده در میان خانواده‌ها، رفتار خانواده‌ها را به سمت افزایش فرزندآوری تغییر داد (see: Amani, 1992)

۱. برای مشاهده جزئیات سیاست‌های جمعیتی و اشتغال و جداول مربوط ر.ک: متن برنامه پنجم عمرانی، مصوب ۱۳۵۲/۳/۲۳ کمیسیون برنامه مجلسین.

۲. ر.ک: برنامه تجدیدنظرشده پنجم عمرانی کشور، مصوب ۱۳۵۴/۲/۲۷.

قانون برنامه اول توسعه، مصوب ۱۳۶۸ نیز با اتخاذ یک سیاست کنترل آماری، در فصل مربوط به جمعیت، خطوط کلی سیاست محدود کردن موالید کشور را یک سیاست کلی بیان کرد. به موجب بخشی از این سیاست، «اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن در سال ۱۳۶۵ به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ درصد به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی و بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی امکان‌پذیر خواهد بود». در این راستا در این برنامه، کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰، مهم‌ترین هدف درازمدت سیاست محدود کردن موالید در کشور اعلام شد. در سطح سیاست‌های اجرایی نیز در این برنامه وظایف بسیاری از جمله پوشش برنامه تنظیم خانواده به منظور پیشگیری از تولد یک میلیون نوزاد ناخواسته بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده شد. دیگر سیاست‌های همسویی که در این برنامه بیان شد، از این قرارند:

- بهبود سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه؛

- اعتلای موقعیت زنان از طریق همگانی کردن آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی؛

- افزایش سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ‌ومیر مادران و کودکان؛

- لغو همه مقررات مشوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست محدود کردن موالید کشور.

بنابراین رویکرد این قانون، نه تنها در پیش گرفتن سیاست کاهش جمعیت بوده؛ بلکه به مقابله با همه زمینه‌های مشوق افزایش جمعیت می‌پردازد (see; Abassi et al. 2002, 25-46). این قانون، بیانگر یک سیاست کنترل آماری است که ضمانت اجرایی آن مشخص نیست؛ یعنی معلوم نیست چگونه می‌توان خانواده‌ها را به محدود کردن شمار فرزندان خود مجاب کرد. بنابراین چنین برنامه‌ای را می‌توان نوعی مقررات گذاری داوطلبانه (Voluntary Regulation) پنداشت که مشمولان قانون را به محدود کردن داوطلبانه شمار زادآوری تشویق می‌کند.

۳-۴. قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶

این قانون مهم‌ترین متن قانونی تصویب شده پس از انقلاب در خصوص کنترل میزان موالید است که برعکس قوانین گذشته با پرهیز از سیاست کنترل آماری، سیاست تشویق مالی و

اجتماعی را در پیش می‌گیرد. به موجب ماده ۱ این قانون، «کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله، پیش‌بینی و وضع شده‌اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود». براین اساس به موجب تبصره ۱ این ماده، حقوق و امتیازاتی که در قوانین کار و بیمه اجتماعی برای فرزندان کارکنان و کارگران مصرح شده بودند؛ مانند مرخصی زایمان، هزینه نگهداری فرزندان و حق بیمه برای فرزند چهارم و فرزندان بعدی ملغی شد. در مواد دیگر نیز بر لزوم بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از برنامه‌های جمعیت و تنظیم خانواده از سوی نهادهای گوناگون تأکید شد. رویکرد مواد چهارگانه این قانون، کاهش شمار فرزندان خانواده‌ها و ایجاد برخی سازوکارهای فرهنگی در این راستا بود. از آنجا که عنوان این قانون کلی بود، تصویب آن، فرصت مناسبی برای تعریف عبارت تنظیم خانواده و جمعیت و ایجاد یک نظام حقوقی مشخص برای مدیریت شاخص‌های جمعیتی و رسیدن به عدالت جمعیتی بود؛ اما مفاد این قانون، تناسب لازم با عنوان آن را نداشت و به جای ایجاد یک نظام حقوقی روشن و جامع برای مدیریت، صرفاً طی یک رویکرد تبعیض‌آمیز می‌کوشید با محروم‌سازی فرزندان چهارم به بعد خانواده‌ها، نرخ رشد جمعیت را کنترل کند. البته این سازوکار پیش‌بینی شده نیز یک راهکار ناقص و محدود است؛ چراکه محدودیت‌های عنوان شده بیشتر شامل کارمندان بخش عمومی و فرزند چهارم آنها می‌شود و هیچ راهکاری برای کنترل نرخ رشد جمعیت در افراد شاغل در مشاغل غیردولتی ندارد. آموزش و فرهنگ‌سازی در دانشگاه‌ها در خصوص مسائل جمعیتی نیز فقط شامل دانشجویان می‌شود؛ نه بقیه مردم.

۳-۵. کنوانسیون حقوق کودک

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ نیز تنظیم خانواده و ایجاد فضای مناسب برای رشد و بالندگی کودکان را به عنوان یک تعهد عمومی بر عهده کشورها نهاده است؛ از این رو دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب ماده ۹ قانون مدنی^۱، تعهداتی را در این زمینه پذیرفته است.

۱. ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است».

در این باره می‌توان به قسمت «و» بند ۱ ماده ۲۴ کنوانسیون اشاره کرد که «توسعه مراقبت‌های بهداشتی و آموزش تنظیم خانواده و خدمات مربوطه...» را یک تعهد عمومی برای کشورهای طرف کنوانسیون می‌نامد.

۳-۶. قانون برنامه دوم توسعه

قانون برنامه دوم توسعه، مصوب ۱۳۷۳ در بخش سیاست‌های جمعیتی (بند ۵-۲) به موضوع تنظیم خانواده و کاهش موالید به صورت مشخص در این چهار محور پرداخته است:

- گسترش سطح آگاهی عمومی به‌ویژه بانوان در خصوص مزیت‌های کنترل باروری و زیان‌های ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت؛

- آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی؛

- تأمین و تعمیم گسترده خدمات، وسایل و روش‌های پیشگیری از بارداری؛

- لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی - اجتماعی مشوق خانوارهای

پرجمعیت.

۳-۷. قوانین برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی

در قانون برنامه سوم و چهارم، به‌طور مشخص بحثی درباره کنترل افزایش جمعیت صورت نگرفت و سیاست‌های کنترل موالید مانند گذشته تکرار نشد؛ بلکه بر تقویت نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های میراث معنوی جامعه ایرانی تأکید شد.^۱ در قانون برنامه پنجم توسعه نیز در بند «م» ماده ۱۹۴ بر جوان‌سازی بافت جمعیتی مناطق روستایی و عشایری و نیز در ماده ۴۳ بر تسهیل ازدواج و تحکیم بنیان خانواده تأکید شد (Salehi-Isfahani 2010, 159-180).

۳-۸. قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت

بدیهی است که رویکرد ماده ۱ قانون تنظیم خانواده و جمعیت درباره ممنوعیت بهره‌مندی فرزندان چهارم به بعد از مزایای اجتماعی و اقتصادی و رفاهی خانواده‌ها آشکارا تبعیض-آمیز بود؛ بنابراین در پی انتقاداتی که از این قانون صورت گرفت و تعدیل رویکردهای واکنشی دهه ۷۰ دولت و نهادهای تقنینی، قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده، مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ با هدف تعدیل موانع و محدودیت‌های قانون پیشین تصویب شد. این قانون با

۱. بند «ل» ماده ۱۰۶ و بند «ت» ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم.

الحاق یک تبصره به ماده یک قانون، مقرر داشت فرزند چهارم خانواده‌هایی که یکی از ۳ فرزند آنها از شمول حمایت‌های قانون خارج شده‌اند، همچنین فرزندان چهارم خانواده-هایی که فرزند یادشده حاصل از دو یا چندقلو بودن زایمان است، از محدودیت‌های گفته‌شده در ماده ۱ این قانون مستثنا هستند. در واقع این قانون به گونه‌ای شدت و فراگیری ماده ۱ قانون پیشین را تعدیل کرد. البته دوباره در تبصره ۱ به گونه‌ای همان رویکرد تبعیض آمیز قانون تنظیم خانواده و جمعیت را تکرار کرد. به موجب این تبصره، دولت می‌تواند هر پنج سال یک بار، با توجه به نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس، ترکیب جمعیتی و شاخص‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی با ارائه لایحه به مجلس به برقراری امتیازات یا ایجاد محدودیت‌ها بر اساس تعداد فرزندان اقدام کند.

تصور قانون‌گذار بر این بوده که می‌تواند با اعمال برخی امتیازات یا محدودیت‌ها، خانواده-ها را به کاهش یا افزایش فرزندآوری برانگیزد؛ گو اینکه خانواده‌ها در امر فرزندآوری پیرو امتیازات یا محدودیت‌های جمعیتی قانون‌گذار هستند. این رویکرد، گونه‌ای مداخله در اراده مستقل خانواده‌ها و حتی فروکاستن اهمیت آن است که با ارائه چند مشوق محدود می‌کوشد تصمیم و اراده خانواده در فرزندآوری را کنترل کند و این امر به گونه‌ای مادی‌سازی مفهوم خانواده و فرزند است؛ چراکه خانواده‌ها را تشویق می‌کند در برابر دریافت کردن یا نکردن چند مشوق، شمار فرزندان خود را کم یا زیاد کنند؛ در حالی که تصمیم به بچه‌دار شدن، یک امر خانوادگی است که هر پدر و مادر با ملاحظه وضعیت خود درباره آن تصمیم می‌گیرند و وظیفه دولت در این زمینه، این است که با ایجاد ثبات و قابلیت پیش‌بینی، به خانواده‌ها کمک کند بتوانند با ملاحظه توان و اوضاع خانوادگی خود و با اطمینان کامل از سلامتی و امید به آینده فرزندان خود تصمیم‌های خردمندانه بگیرند.

۳-۹. سیاست‌های کلی جمعیت، مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۰

تصویب سیاست‌های کلی جمعیت از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک اقدام اساسی برای کاهش آشفتنگی و ناهم‌نواپی در سیاست تقنینی کشور در حوزه جمعیت بود. این سند حقوقی طی ۱۴ بند، سیاست نسبتاً جامع و فرابخشی را برای مدیریت برخی شاخص‌های جمعیتی در ایران ایجاد کرد. نکته مهم در این سیاست، پرهیز از سیاست مداخله و کنترل آماری جمعیت است که تا پیش از این همواره دستمایه قانون‌گذار در تصویب قوانین جمعیتی بوده است. نکته مهم دیگر این سند، توجه به موضوع مهم ارتباط

نزدیک شاخص‌های جمعیتی با حوزه‌های دیگر به‌ویژه محیط زیست است که در بند ۹ گفته شده بر اساس آن جمعیت کشور باید متناسب با ظرفیت زیستی سرزمین، بازتوزیع فضایی و جغرافیایی شود. همچنین توجه به جمعیت‌پذیری در مناطق کم‌جمعیت و محروم و توسعه امکانات در این مناطق از رویکردهای مهم این سند است. با این حال اجرای این سند حقوقی، مستلزم تصویب قوانین و مقررات اجرایی لازم است تا به تدریج این سیاست‌ها در بدنه سیاست تقنینی ایران در زمینه جمعیت متعین شوند.

۳-۱۰. قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱

از عنوان کلی این قانون چنین به نظر می‌آید که در این قانون، انواع سازوکارهای لازم برای حمایت حقوقی، اجتماعی و اقتصادی پیش‌بینی شده است؛ اما بر خلاف عنوان کلی آن، قانون‌گذار بیشتر بر شیوه حل و فصل دعاوی خانوادگی متمرکز شده و از پیش‌بینی بسیاری از سازوکارهای حمایتی ممکن برای تسهیل تشکیل و استحکام خانواده بازمانده است. البته با آنکه ضرورت حمایت از خانواده در قانون اساسی در اصول فراوانی پیش‌بینی شده و قانون‌گذار عادی باید قوانین لازم برای تحقق آنها وضع کند؛ ولی احتمالاً سیاست تقنینی قانون‌گذار در قانون حمایت از خانواده بر این بوده که با پرهیز از افزایش بار مالی دولت، از مداخله در امور خانواده پرهیز کند و نقش داور در رفع اختلافات را بر عهده بگیرد. یکی از سازوکارهای این قانون، پیش‌بینی مراکز مشاوره خانوادگی در ماده ۱۶ است که البته بهتر بود به جای آنکه یک مرکز دولتی باشد، از نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه استفاده می‌شد یا دست کم اشخاص غیردولتی نیز امکان عضویت در این مراکز داشتند تا ارتباط اجتماعی بهتری میان مراجعه‌کنندگان و مسئولان این مراکز برقرار می‌شد.

۴. مقررات اجرایی مرتبط با تنظیم جمعیت

مقررات اجرایی دولت در چهار دهه پیش با سیاست‌های کلی برنامه‌ای و نیز تقنینی همسو بوده است. تنها در سال‌های اخیر مصوباتی تصویب شده که به گونه‌ای در صدد تعدیل و حتی مخالفت با سیاست‌های پیشین در راستای افزایش جمعیت بوده‌اند. در این بخش به مهم‌ترین مقررات اجرایی دولت در این زمینه اشاره می‌شود.

۴-۱. مصوبه درباره اعمال سیاست محدود کردن موالید

هیئت وزیران در راستای تقویت سیاست‌های اجرایی محدود کردن موالید، مصوبه «وظایف دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید» را در تاریخ

۱۳۶۹/۴/۶ تصویب کرد. این مصوبه با مشخص کردن وظایف برخی دستگاه‌های اجرایی در انجام اقدامات فرهنگی، مانند ارتقای سطح آموزش و آگاهی زنان و تشویق به کنترل جمعیت مشخص، ایجاد کمیسیونی را به ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای اجرای بهتر مفاد این مصوبه پیش‌بینی کرده است.

۲-۴. تکرار ماده ۱ قانون تنظیم خانواده در مصوبات هیئت دولت

در بسیاری از مصوبات دولت که پس از قانون تنظیم خانواده و در ارتباط با موضوع جمعیت و مولید تصویب شده بود، رعایت حکم موضوع ماده ۱ این قانون، یعنی منع اعطای مزایای قانونی به فرزندان چهارم و بعد تکرار شد. از جمله مهم‌ترین مصوبات دولت که رعایت این ماده را به مسئولان اجرایی گوشزد می‌کرد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: تبصره ماده ۷ آیین‌نامه چگونگی تشخیص و تعیین افراد نیازمند موضوع تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی، مصوب ۱۳۷۴/۵/۱۱؛

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۱۳ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، مصوب ۱۳۷۴/۶/۵؛

ماده ۲ اصلاح ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۱۳ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۵؛

ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۰۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۷۷/۴/۲۸.

۳-۴. مصوبه هیئت وزیران در خصوص راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱

ماده ۵ بند چهارم بخش بهداشت و درمان از قسمت راهکارهای اجرایی امور اجتماعی این مصوبه، در زمینه تنظیم جمعیت مقرر می‌دارد به منظور استمرار سیاست تحدید مولید و ایجاد تعادل میان منابع و میزان رشد جمعیت، سیاست‌گذاری جمعیتی در بخش بهداشت و درمان باید بر اساس این اصول صورت پذیرد:

- کاهش میزان زادوولد و مرگ‌ومیر مادران و نوزادان؛

- کم کردن بارداری در سنین کمتر از هجده سال و پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته؛

- اصلاح موقعیت اجتماعی زنان و توانمندسازی آنان در فرایند توسعه کشور؛

- ارائه آموزش‌های لازم در سطح مناسب آموزش و پرورش عمومی در اجرای

سیاست‌های تحدید موالید؛

- تشویق روستاییان به اقامت در روستا از طریق فراهم کردن امکانات بهداشتی - درمانی در روستاها؛ ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی برای اجرای دقیق قانون تنظیم خانواده؛ برنامه ریزی برای بهبود کیفیت خدمات تنظیم خانواده و استاندارد کردن آن؛ جلب مشارکت معتمدان جامعه همچون روحانیان و معلمان در زمینه تشویق مردم به استفاده از روش‌های مطمئن پیشگیری از بارداری و کنترل جمعیت.

این مصوبه برای نخستین بار رویکردی جامع به موضوع نرخ رشد جمعیت دارد؛ بدون آنکه سیاست کنترل آماری در این زمینه در پیش بگیرد. بند «الف» این ماده، برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، عبارت «ایجاد تعادل بین منابع و میزان رشد جمعیت» را به کار می‌برد که هدف آن تنظیم و تعدیل میزان رشد جمعیت با منابع موجود در کشور است؛ اما این مصوبه با وجود اشاره به این هدف مهم، سازوکارهای لازم برای تحقق آن را مشخص نمی‌کند و صرفاً به بیان برخی راهکارهای تشویقی بهداشتی و فرهنگی می‌پردازد؛ حال آنکه ایجاد تعادل میان منابع کشور و نرخ رشد جمعیت، مستلزم سازوکارهای اجباری، مشارکتی و داوطلبانه فراوان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی است که نه تنها در این مصوبه که در دیگر مصوبات راجع به تنظیم جمعیت نادیده مانده است.

۵. قوانین و مقررات تسهیل‌کننده افزایش جمعیت

کاهش نرخ رشد جمعیت یکی از سیاست‌های جمعیتی مجلس و دولت بوده است؛ ولی در برابر، قوانین و مقررات بسیاری نیز در زمینه تشویق به تشکیل و تداوم خانواده، حمایت از کودکان و بانوان و الزام دولت به بالا بردن سطح بهداشتی و معیشتی مردم تصویب شده که این قوانین و مقررات چنانچه به درستی اجرا شوند - با ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای شاخص‌های جمعیتی - باید به عنوان یک عامل تشویقی برای افزایش نرخ رشد جمعیت عمل کنند؛ یعنی اثر مستقیم و غیرمستقیم این قوانین باید به آسان‌سازی افزایش جمعیت بینجامد. این قوانین و مقررات را باید بخشی از سیاست کلی دولت در زمینه حمایت از خانواده دانست که در اینجا به برخی از این قوانین و مقررات اشاره می‌شود:

۵-۱. اصولی از قانون اساسی

حمایت از خانواده، عدالت اجتماعی و منع تبعیض، از مهم‌ترین مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که طی اصول فراوانی به آنها تصریح شده است. در بند ۱۲

اصل سوم به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه اشاره شده است. در اصل دهم تأکید می‌شود خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی بوده و همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در راستای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

برخی از احکام و اصول قانون اساسی نیز به صورت غیرمستقیم به این امر مرتبط می‌شوند؛ از جمله اصل ۲۱، دولت را موظف کرده حقوق زن را در تمام جهات - با رعایت موازین اسلامی - تضمین کند و به این امور پایبند باشد: ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛ حمایت از مادران به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند؛ حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۵-۲. از سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم

رویکرد سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، تقویت رشد فکری و علمی و تلاش برای رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان (ماده ۱۳) و حمایت از گروه‌های محروم و زنان سرپرست خانوار (ماده ۳۵ بند ۷) است.

۵-۳. قانون مدیریت خدمات کشوری

بر اساس بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، حق بهره‌مندی از کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد برای کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر هستند و نیز کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر که همسر ندارند یا همسر آنان معلول یا از کارافتاده کلی است یا خود به‌تنهایی عهده‌دار هزینه‌های فرزندان هستند، برای هر فرزند و حداکثر سه فرزند پیش‌بینی شده است. بنابراین خانواده‌های کارمند دست‌کم می‌توانند از برخی مشوق‌ها برای حداکثر سه فرزند خود بهره‌مند باشند.

۵-۴. حمایت از کودکان

آیین‌نامه تأمین آئیه مهر امام رضا علیه السلام، مصوب ۱۳۸۸/۸/۸ هیئت وزیران به منظور تأمین آینده فرزندان ایرانی و برای مشارکت و حمایت از تهیه مسکن، ازدواج، اشتغال و تحصیل

آنان، حساب سپرده پس اندازی را برای هر نوزاد ایرانی پیش‌بینی کرده است (ماده ۲).

۵.۵. تأمین اجتماعی

قانون تأمین اجتماعی حقوق فراوانی برای افراد تحت شمول بیمه مقرر کرده است؛ از جمله غرامت دستمزد که در دوران بارداری پرداخت می‌شود؛ کمک هزینه ازدواج که مبلغی است که طبق شرایط خاصی برای فراهم کردن هزینه‌های ازدواج به بیمه‌شده پرداخت می‌شود و کمک هزینه عائله مندی که مبلغی است که - طبق شرایط خاص - در ازای عائله مندی توسط کارفرما به بیمه‌شده پرداخت می‌شود (ماده ۲).

۵.۶. حقوق دوران بارداری

قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، مصوب ۱۳۷۴/۹/۲۲ با اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۱ هیئت وزیران، حقوق دوران بارداری را برای بانوان مشخص می‌کند. بر اساس ماده ۳ این قانون، مرخصی زایمان تا ۳ فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند، در بخش‌های دولتی و غیردولتی ۶ ماه است. بر اساس تبصره ۱ این ماده، مادران شیرده پس از بازگشت به کار، در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۴ ماهگی کودک، روزانه یک ساعت از مرخصی - بدون کسر از مرخصی استحقاقی - بهره‌مند شوند. به موجب تبصره ۲ این ماده، امنیت شغلی مادران پس از پایان مرخصی زایمان و در هنگام شیردهی باید تأمین شود؛ اما ضمانت اجرایی خاصی برای این منظور پیش‌بینی نشده است. با آنکه در این قانون برای به دنیا آوردن فرزند چهارم به بعد مرخصی پیش‌بینی نشده؛ اما بدیهی است در این وضعیت می‌توان از انواع دیگر مرخصی استحقاقی کارکنان استفاده کرد. بر اساس ماده ۷۸ قانون کار، در کارگاه‌هایی که دارای کارکنان زن هستند، کارفرمایان مکلف‌اند به مادران شیرده تا پایان دوسالگی کودک، پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیردهی بدهند.

۵.۷. تسهیل ازدواج

قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷ دولت را مکلف می‌کند به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، امکانات و تسهیلات لازم را فراهم آورد؛ از جمله تأسیس صندوق اندوخته ازدواج جوانان (ماده ۱)، ساخت و ساز مسکن و واحدهای ساختمانی به عنوان «مسکن موقت» (ماده ۳)، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب ازدواج (ماده ۵)، ارائه و اجرای طرح جامع آموزش و مشاوره پیش و پس از ازدواج (ماده

۸). با این حال اجرای قانون تسهیل ازدواج در عمل به تصویب آیین‌نامه اجرایی این قانون در هیئت دولت و تصویب اساس‌نامه صندوق اندوخته جوانان توسط مجلس شورای اسلامی موکول شده است.

قوانین و مقررات یادشده و قوانین و مقررات دیگر در بدنه نظام حقوقی ایران، سازوکارهای فراوان و ارزنده‌ای را در راستای حمایت از خانواده، زنان و کودکان ایجاد کرده و تکالیف دولت را در این زمینه به‌طور مشخص تعیین می‌کنند؛ بنابراین چنانچه این سازوکارها با کارآمدی و اثربخشی لازم اجرا شوند، همانند عامل تشویقی مؤثری برای تسهیل تشکیل خانواده و تولد فرزندان در جامعه عمل می‌کنند و اصولاً باید به افزایش نرخ رشد جمعیت در کشور بینجامند.

در تحلیل نهایی تأثیر قوانین و مقررات بر نرخ رشد جمعیت باید گفت این سازوکارهای حقوقی در مقایسه با عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر، تأثیر ناچیزی بر تغییر رفتار خانواده‌ها مبنی بر کاهش یا افزایش جمعیت داشته‌اند. نمونه روشن این تأثیر را می‌توان در دوران پس از انقلاب اسلامی ملاحظه کرد. در دهه ۶۰ سیاست تنظیم جمعیت به کلی کنار گذاشته شد؛ ولی با وجود تشویق مؤکد خانواده‌ها به افزایش جمعیت از سوی مسئولان و رسانه‌ها، قانون یا مقرره‌ای خاص برای تشویق به افزایش جمعیت تصویب نشد؛ با این حال بنا به دلایل گوناگونی، نرخ جمعیت در دهه ۶۰ به گونه‌ای پیش‌بینی‌نشده‌ای افزایش یافت؛ حال آنکه هیچ سازوکار حقوقی مشخص و چشمگیری برای تشویق به افزایش جمعیت تصویب نشده بود و عواملی مانند جنگ، تحول سیاسی و ایجاد امید به آینده در میان خانواده‌ها و بهبود نسبی شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، رفتار خانواده‌ها را به سوی افزایش جمعیت تغییر داد. با آغاز دهه ۷۰ و برنامه‌ریزی دوباره برای کنترل جمعیت به منظور مهار انفجار جمعیتی، برخی سازوکارهای حقوقی برای تشویق به تعدیل نرخ رشد جمعیت تصویب شد؛ ولی این سازوکارها نیز به اندازه کافی قوی و مؤثر نبودند که بر رفتار خانواده‌ها در کاهش جمعیت تأثیر بگذارند؛ چراکه اولاً این قوانین و مقررات - همان‌گونه که در گفتار اول اشاره شد - یکپارچگی و هماهنگی با هم و با دیگر قوانین و مقررات جمعیتی لازم نداشتند و دوم اینکه نوع سازوکارهای به کاررفته در این اسناد، عموماً قوی و اثرگذار نبودند و صرفاً جنبه تشویقی، ترویجی و داوطلبانه داشتند؛ به گونه‌ای که برای تغییر رفتار فرزندآوری خانوارها کافی و مؤثر به نظر نمی‌رسیدند.

نتیجه

در طی دهه‌های گذشته، قوانین و مقررات ایران، رفته‌رفته وارد موضوع تنظیم جمعیت شده و سازوکارهای دوگانه‌ای را در راستای تنظیم نرخ رشد جمعیت در ایران ایجاد کرده‌اند که هدف آنها هم تسهیل تشکیل خانواده، افزایش شمار فرزندان و حمایت از آنها و هم تعدیل نرخ رشد جمعیت از طریق کاهش مشوق‌های مالی و شغلی برای فرزند چهارم و فرزندان بعدی در خانواده‌ها بوده است. با این حال سیاست تقنینی ایران در خصوص تنظیم نرخ رشد جمعیت چندان کارآمد و اثرگذار نبوده است. دلیل این امر در درجه نخست به این باز می‌گردد که این قوانین و مقررات، ناهماهنگ، نامتوازن و فاقد جهت‌گیری مشخص در زمینه افزایش، کاهش یا تعدیل رشد جمعیت بوده و سازوکارها و ضمانت اجراهای لازم برای تحقق اهداف خود را نداشته‌اند. مهم‌ترین علت این موضوع را می‌توان در وجود دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوت در زمینه کنترل نرخ رشد جمعیت و نبودن این سیاست تقنینی بر پایه مطالعات و برنامه‌ریزی دقیق، هدفمند و جامع و البته پیچیدگی خود موضوع شاخص‌های جمعیتی جستجو کرد (امچکی ۱۳۸۱، ۹-۱۰).

با توجه به این مشکل نظام حقوقی نمی‌توان پذیرفت قوانین و مقررات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر نرخ رشد جمعیت کشور داشته‌اند؛ به‌ویژه آنکه شاخص‌های جمعیتی همواره از عوامل فراوان اقتصادی و اجتماعی گوناگون تأثیر می‌پذیرند. نهایت اینکه اثبات تأثیر قوانین و مقررات جمعیتی بر نرخ رشد جمعیت، مستلزم انجام ارزیابی دقیقی از آثار مقررات‌گذاری بر افزایش یا کاهش نرخ رشد جمعیت است که این ارزیابی، تاکنون انجام نشده است.

نکته مهمی که باید در موضوع ارتباط نظام حقوقی با مدیریت جمعیت مدنظر قرار گیرد، این است که نظام حقوقی بدون ورود در مسائل فنی و تخصصی شاخص‌های جمعیتی، صرفاً باید بکوشد شرایط عادلانه لازم برای مدیریت منطقی شاخص‌های جمعیت و زندگی شایسته مردم ایجاد کند و تحولات جمعیتی به گونه‌ای صورت پذیرند که توسعه کشور و حفظ محیط زیست را تضمین کنند. در این میان مدیریت نرخ رشد جمعیت باید با توسل به ابزارهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و البته در قالب مقررات روشن و دقیق حقوقی و بدون تلاش برای کنترل آماری خانواده انجام شود. تصویب قوانین و مقررات اجرایی لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت، یک گام مهم برای ثبات بخشی به سیاست تقنینی ایران در زمینه جمعیت خواهد بود. البته پیش از آن، نظام حقوقی باید هدف خود در تأمین و تضمین عدالت جمعیتی را نیز به‌روشنی تعریف کند.

منابع و مأخذ

امکچی، حمیده؛ «ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت بروز حاشیه‌نشینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور»؛ مجله هفت شهر، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۱، ص ۵۶-۶۴.

حصاری، علی؛ «بررسی شاخص‌های جمعیت طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۵»؛ مجله برنامه، سال هشتم، شماره ۳۶۷، ۱۳۸۹، ص ۲۱-۲۴.

ساعی، ایرج؛ «پرسمان‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری»؛ مجله جامعه‌شناسی، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۹، ص ۶۹-۹۷.

«گزارش رئیس مرکز آمار ایران» به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، در:

<http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=30472129>

مهرگان، نادر و روح‌الله رضایی؛ «اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی»؛ مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۳۷-۱۴۶.

Abbasi, M. J., Mehryar, A., Jones, G., & McDonald, P.; "Revolution, war and modernization: Population policy and fertility change in Iran"; Journal of Population Research, 19(1), 2002, p.25-46.

Abbasi-Shavazi, M., & McDonald, P.; "Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000"; Asian Population Studies, 2(3), 2006, p.217-237.

Amani, M.; "Les effets démographiques de la guerre Iran-Irak sur la population iranienne"; Institut National d'Etudes démographiques, Paris, 1992.

Aghajanian, A.; "Population Change In Iran, 1966-86: a stalled demographic transition?"; Population and Development Review, 1991, p.703-715.

———; Family Planning Program and Recent Fertility Trends in Iran; University of North Carolina. Carolina population center, 1998.

Brooks, Richard O. et al; Law and Ecology: The Rise of the Ecosystem Regime, Ashgate Publishing, USA, 2002.

Department of Economic and Social Affairs; "Population Challenges and Development Goals", Department of Economic and Social Affairs, Population Division, ST/ESA/SER.A/248, United Nations Publication, USA, 2005.

Dixon-Mueller, R.; Population policy & women's rights: Transforming reproductive choice; ABC-CLIO, 1993.

Edwards, S.; "Iran population growth rate increases by about 40% after abandonment of fertility control policy in 1979"; International Family Planning Perspectives, 18(3), 1992, p.116-7.

Esmaili, B., Bogar, Z. S., Dehshibi, A. A., Bahloli, M. S., & Sadeghi, S.; "Generation Gap and Fertility Behavior: A Comparative Study of the fertility behavior in Women Born Before and after the Islamic Revolution in IRAN, Ahar

- City, A Case study"; J American Sci, 9(3), 2013, p.51-57.
- Erfani, A., & McQuillan, K.; "Rapid fertility decline in Iran: analysis of intermediate variables"; Journal of biosocial science, 40(03), 2008, p.459-478.
- Ladier-Fouladi, M.; "Démographie, société et changements politiques en Iran"; Esprit (1940-), 2001, pp.154-172.
- ; "Le système familial et la politique en Iran"; Famille et mutations sociopolitiques. L'approche culturaliste à l'épreuve, 2005, p.41.
- ; "La famille en Iran entre l'inflexion démographique et la naissance de l'État providence"; Population, 57(2), 2002, p.391-400.
- Lamm, R. D., & Davison, S. A.; "Legal Control of Population Growth and Distribution in a Quality Environment: The Land Use Alternatives"; The Denv. LJ, 1972, p.49, 1.
- Hashemi, Ali, and D. Salehi-Isfahani; "Family planning program effects in rural Iran" The Northwest Universities Development Consortium (NEUDC) Conference. 2009.
- Hoodfar, H., & Assadpour, S.; "The politics of population policy in the Islamic Republic of Iran" Studies in family planning, 31(1), 2000, p.19-34.
- Hunter, Lori, M.; The Environmental Implications of Population Dynamics; RAND, USA, 2000.
- May, Jhon; World Population Policies: Their Origin, Evolution, and Impact, Springer Science, 2012.
- Marvell, T. B.; "Sentencing guidelines and prison population growth"; Journal of Criminal Law and Criminology, 1995, p.696-709.
- Moeeni, M., Pourreza, A., Torabi, F., Heydari, H., & Mahmoudi, M.; "Analysis of economic determinants of fertility in Iran: a multilevel approach"; International Journal of Health Policy & Management (IJHPM), 3, 2014, p.135.
- Salehi-Isfahani, D.; "Demographic factors in Iran's economic development"; Social research, 2000, p.599-620.
- ; "Population, human capital, and economic growth in Iran"; Human capital: Population economics in the Middle East, 2002, p.141.
- Salehi-Isfahani, D., Abbasi-Shavazi, M. J., & Hosseini-Chavoshi, M.; "Family planning and fertility decline in rural Iran: the impact of rural health clinics"; Health Economics, 19(S1), 2010, p.159-180.
- Scharping, Thomas; Birth Control in China 1949-2000: Population Policy and Demographic Development, Routledge Curzon, USA & Canada, 2005.
- Ward, J. G.; "1 Demographic politics and American schools: Struggles for power and justice"; The New Politics of Race and Gender: The 1992 Yearbook of the Politics of Education Association, 1994, p.7.

قوانین و مقررات

قانون اساسی.

قانون تسهیل ازدواج جوانان، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۷.

- قانون برنامه پنجم عمرانی، مصوب ۱۳۵۲/۳/۲۳ کمیسیون برنامه مجلسین.
برنامه تجدیدنظرشده پنجم عمرانی کشور، مصوب ۱۳۵۴/۲/۲۷.
قانون برنامه چهارم عمرانی کشور، مصوب ۱۳۴۷.
قانون برنامه اول توسعه، مصوب ۱۳۶۸.
قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶.
قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک.
قانون برنامه دوم توسعه.
قوانین برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه.
قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده و جمعیت.
مصوبه ۱۳۶۹/۴/۶ تحت عنوان «وظایف دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید».
تبصره ماده ۷ آیین‌نامه چگونگی تشخیص و تعیین افراد نیازمند موضوع تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی، مصوب ۱۳۷۴.
آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۱۳ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، مصوب ۱۳۷۴/۶/۵.
آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۱۳ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۵.
آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۰۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۳۷۷/۴/۲۸.
مصوبه هیئت وزیران در خصوص راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱.
سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
آیین‌نامه تأمین آتیه مهر امام رضا علیه السلام، مصوب ۱۳۸۸/۸/۸ هیئت وزیران.
قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی (مصوب ۱۳۷۴/۹/۲۲ با اصلاحات بعدی) و آیین‌نامه اجرایی آن، مصوب ۱۳۷۵/۹/۲۱.